

## روزنامه‌نگاری عینی؛ موافقان و مخالفان

سیدرضا نقیب‌السادات

وسایل ارتباط جمعی، حکم چشم و گوش مردم را دارند. در جامعه‌ای که درک و آگاهی از تمام رویدادها، برای افراد دشوار است، وسایل ارتباط جمعی، اطلاعات و آگاهی‌های لازم را در اختیار افراد قرار می‌دهند. روزنامه، که یکی از وسایل ارتباط جمعی است، نقش مهمی در شکل‌دهی واقعیت‌های اجتماعی در ذهن مخاطبان ایفا می‌کند. نکته‌ای که در اینجا اهمیت دارد این است که مخاطبان به‌دنبال چه چیز هستند، چه را می‌جویند و چه شیوه‌ای را برای دریافت آن جست‌وجو می‌کنند، نیازشان چیست و چگونه باید به آن پاسخ گفته شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها ما را به شیوه‌های تأمین نیازهای خبری مخاطب و درج اخبار رهنمون می‌سازد.

یکی از شیوه‌های درج اخبار و

روزنامه‌نگاری، «عینیت» (Objectivity) و «روزنامه‌نگاری عینی» (Objectivity Journalism) است که مقاله حاضر به پیشینه این مفهوم و کاربرد آن پرداخته است.

در واژه‌نامه کتاب شیوه‌های اساسی گزارش خبری آمده است:<sup>۱</sup>

«عینیت، هدفی است که هنگامی بدان نایل می‌شوند که خبر، بدون جهت‌گیری و تمایل باشد. یک گزارش خبری عینی، فاقد قضاوت شخصی و نظرات گزارشگر یا دبیر سرویس یک نشریه است.»

در واژه‌نامه کتاب «درک ارتباطات جمعی» اثر «دیفلور» نیز در خصوص گزارشگری عینی آمده است:<sup>۲</sup>

«گزارشگری عینی، یک سبک غیرشخصی گزارش خبر است که بر واقعیات - به دور از

نظرات و تفسیرهای گزارشگر- استوار است.» همچنین در کتاب «وسایل ارتباط جمعی، مقدمه‌های بر ارتباطات مدرن» اثر «هیبارت، انگوریت و بُن» آمده است<sup>۳</sup> که «عینیت، موضوع غالب حرفه روزنامه‌نگاری، برای گزارش وقایع به شکل واقعی و بی‌تأثیر از گرایش‌ها یا ارزش‌های گزارشگر به سردبیر یا ناشر است.»

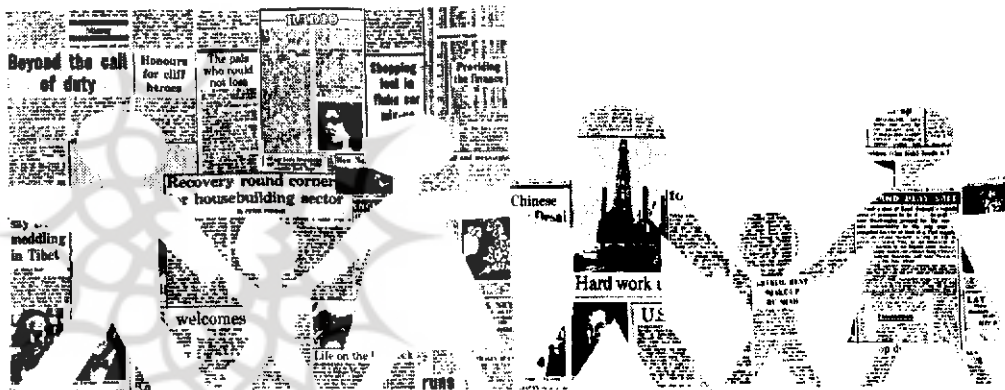
و بالاخره در کتاب «مفاهیم اساسی در ارتباطات» در خصوص مفهوم «عینیت» آمده است:<sup>۴</sup>

«عینیت، روشی علمی است که خصوصیت مفروض آن، جملات فاقد سوگیری و جهت‌گیری است. عینیت یکی از مهم‌ترین اهداف هرگونه پژوهش تجربی است؛ اگر چه دستیابی به چنین امری غیرممکن است.»

در خصوص مفهوم «عینیت»، آنچه که ضرورت دارد بدانیم، این است که «عینیت»، زادهٔ زمان و آفریدهٔ فرهنگ خاص خود بود.<sup>۵</sup>

در دههٔ ۱۹۲۰ مفهوم عینیت در برابر این پرسش که به چه میزان فشار و زور در جامعه وجود دارد، بحثهایی را مطرح می‌کند. در این دهه شاهد گسترش طبیعت‌گرایی علمی هستیم، مکتب فکری که معتقد بود، حقیقتی از پیش وجود ندارد و کوشش می‌کرد قوانین کلی را با اصطلاح‌های ماوراءالطبیعه‌ای توضیح دهد. جهل و موهوم‌پرستی، این امر را که تنها اطلاعات معتبر، اطلاعاتی است که از طریق تحقیق‌های علمی به دست می‌آید، تشویق می‌کرد.

همچنانکه دانشمندان در زمینهٔ روش‌شناسی علمی موضوع‌های مختلف،



روزنامه‌نگاران تا دهه ۱۹۲۰، واژه «عینیت» را برای تشریح کارشان به کار نگرفته بودند. این اصطلاح در اصل، یک روند گزارشگری سخت‌گیر را، (Rigorous Reporting) که خارج از حرکت فرهنگی گسترده‌تر طبیعت‌گرایی علمی (Scientific Naturalism) رشد کرده بود، نشان می‌دهد. علاوه بر آن، «عینیت» به عنوان وسیله‌ای برای نشان دادن بی‌طرفی (Neutrality) طرح شد. روش «عینیت» به عنوان پادزهری در برابر احساس‌گرایی (Emotionalism) و حمایت از سیاست‌های جنگ‌طلبانه (jingoism) مطبوعات آمریکایی محافظه‌کار (Conserative American Press) ظهور کرده بود.

تحقیقات نشان می‌دهد که واژه‌های عینیت و عینیت، تا پیش از دههٔ ۱۹۲۰ به‌طور منظم به کار نرفته است. جلسه‌های سردبیران روزنامه‌های آمریکایی نیز نشان می‌دهد که واژه «عینیت» تا سال ۱۹۲۸ آشکار نشده است.

جمع‌آوری واقعیت‌ها، پیش از قضاوت کردن. این عدم اعتماد، ناشی از فعالیت در زمینهٔ روان‌شناسی توسط اشخاصی چون «جان واتسون» و «زیگموند فروید» بوده است.

۲. درک این امر، که حتی اگر مردم طالب و عمل‌کنندهٔ به واقعیت‌ها بودند، تبلیغاتچی‌ها واقعیت‌ها را دستکاری و موضوع‌های مختلف را مبهم جلوه می‌دادند و واقعیت‌هایی که مطبوعات منتشر می‌کردند، ساختهٔ دست ایشان بود و موجب آلوده کردن افکار عمومی می‌شد.

۳. درک این امر، که اگر مردم قادر به کاربرد واقعیت‌ها در قضاوت نیستند و اگر ایشان، عاجز از فراهم آوردن اطلاعات موثق از راه‌های مختلف هستند به این ترتیب، دموکراسی شکست سختی خورده است. بنابراین، وجود قانون‌گذار با صلاحیت برای شهروندان یک اسطوره است، اگر چه این ایده وجود داشت که در نهایت حقیقت باید پیروز شود.

۴. اعتقاد به این امر، که روش علمی به کار گرفته شده برای امور بشری (که روزنامه‌نگاری را هم شامل می‌شود) از طریق علوم اجتماعی نسبتاً جدید (در رأس آنها جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد) می‌تواند در بجه‌ای را بر اصلاح و ترقی بشری بگشاید.<sup>۶</sup>

### خبردهی مستقیم

غالب‌ترین شیوه فلسفه سنتی گزارشگری خبری در قرن بیستم، گزارشگری عینی بوده است که روزنامه‌نگار را، چون شاهدی بی‌طرف می‌بیند و گزارش آنچه را که شخصاً دیده یا شنیده است و یا حتی مطالبی را در خصوص موضوعی دریافتی است ارایه می‌دهد. در این شیوهٔ خبردهی، تأکید بر شیوهٔ خبردهی مستقیم است که بدون ضمایر اول شخص (من و ما) نوشته می‌شود و در آن نظر گزارشگر ارایه نمی‌شود. گزارشگری عینی، همچنین تلاش می‌کند تا همهٔ جنبه‌های یک موضوع قابل بحث را ارایه دهد.

گزارشگر، تنها یک ناظر رویداد قلمداد می‌شود و از این که در رویداد، مشارکت کند یا نظر شخصی وی بر موضوع سایه افکند، منع شده است.

### نمونه‌ای از تعهد به روزنامه‌نگاری عینی

خبرگزاری‌ها و بسیاری از روزنامه‌ها، سعی در به‌کارگیری این شیوهٔ گزارشگری دارند. این

سرسختانه فعالیت می‌کردند، این امرگیزناپذیر بود که برخی از ایشان نیز در خصوص تأمین تکنیک‌های علوم اجتماعی جدید، برای روزنامه‌نگاری فعالیت نمایند. «عینیت»، این کوشش را توصیف می‌کند. در اصل، «عینیت» به معنای یافتن حقیقت از طریق روش‌شناسی سخت دانشمندان است. این روش‌شناسی، اصل اساسی اعتقادهای دانشمندان علوم اجتماعی دههٔ ۱۹۲۰ بود.

### نگرش‌های فرهنگی در روزنامه‌نگاری عینی

این نوشته، بر سردر ساختمان علوم اجتماعی دانشگاه شیکاگو - که اهدایی سال ۱۹۲۹ بود - به چشم می‌خورد: «وقتی نتوانی دانش خود را بسنجی، ناتوان و ناخشنودی.»

در این مقاله نگرش‌ها و تمایل‌های فرهنگی که روزنامه‌نگاری عینی را به وجود آورده‌اند، به شکل زیر خلاصه می‌شود:

۱. بدگمانی طبیعت بشر و تمایل مردم به

امر را خبرگزاری‌ها بسیار جدی می‌گیرند. به عنوان مثال، خبرگزاری آسوشیتدپرس یکی از عکاسان خود را که در سال ۱۹۷۴ در رویدادی به نحوی مشارکت کرده بود ازکار برکنار کرد. «جیمز مون» عکاس آسوشیتدپرس که در محاکمه دوتن از رهبران نهضت سرخ‌پوستان آمریکا شهادت داده بود و تعداد نفرات محاصره شده در یک دهکده سرخ‌پوست نشین را به اف.بی.آی گزارش کرده بود، به دلیل نقض شیوه‌گزارشگری آسوشیتدپرس از کار برکنار شد.

«وس کلاجر» مدیرکل خبرگزاری آسوشیتدپرس در خصوص شهادت وی گفته بود که عمل «مون» به عنوان یک خبرنگار بی‌طرف شایسته نبوده است و این برخلاف سیاست آسوشیتدپرس است که خبرنگاران آن،

دریافتی قضاوت می‌کنند نه بر مبنای تفسیرهای ناخواسته خبرنگار یا روزنامه‌نگار.

پیش از پرداختن به بخش بعدی مطلب، به دو مفهوم دیگر که با مفهوم عینیت ارتباط می‌یابد، پرداخته می‌شود:

در کتاب ارتباطات و فرهنگ<sup>۹</sup> زیرعنوان «موضوعیت و ایدئولوژی»، به جریان اطلاعات و اخبار در سطح بین‌المللی، فقدان توازن در این جریان و محتوای اخبار که بیشتر اخبار مثبت است، اشاره دارد. نویسنده بیان می‌دارد که اخبار ارایه شده در سطح جهانی، جای دو پرسش را در رابطه با انصاف (Fairness) و عینیت (Objectivity) باز می‌گذارد.

اوگان (Ogan) و سویفت (Swift) محققان ارتباطات در سال ۱۹۸۲ دریافتند که نیمی از اخبار در همه کشورها - کشورهای پیشرفته و

■ «عینیت، هدفی است که هنگامی بدان نایل می‌شوند که خبر، بدون جهت‌گیری و تمایل باشد. یک گزارش خبری عینی، بدون قضاوت شخصی و نظرات گزارشگر یا دبیر سرویس یک نشریه است.»

■ عینیت به عنوان پادزهری در برابر «احساس‌گرایی» و حمایت از سیاست‌های جنگ‌طلبانه مطبوعات آمریکایی محافظه‌کار ظهور کرده بود.

■ عینیت، به معنای یافتن حقیقت از طریق روش‌شناسی سخت‌دانشمندان است. این روش‌شناسی، اصل اساسی اعتقادهای دانشمندان علوم اجتماعی دهه ۱۹۲۰ بود.

خود را در وقایع درگیر کنند.<sup>۷</sup> به لحاظ تاریخی، گزارشگری عینی، شیوه‌ای نسبتاً جوان است. این شیوه، پس از جنگ داخلی در برابر گسترش فعالیت خبرگزاری‌ها رشد کرده است. خبرگزاری‌هایی که حاصل فعالیت‌هایشان، هم برای مشترکان دموکرات و هم جمهوری‌خواه قابل قبول بوده است.

ایمن شیوه در اصل، به دلایل تجاری گسترش یافت، نیاز به روزنامه‌های توده‌ای برای ارایه به مخاطبان ناهمگون به لحاظ سیاسی، بدون از خود بیگانه کردن این مخاطبان - از دلایل گسترش این شیوه است. در سطح محلی، گزارشگری عینی هنوز نیز این کارکرد را دارد، زیرا بنا به تعریف، وسایل ارتباط توده‌ای، خدمات دهنده به مخاطبان توده‌ای هستند.<sup>۸</sup>

در شیوه روزنامه‌نگاری عینی، این اصل مبنای عمل است که «اجازه دهید واقعیت‌ها، خود سخن گویند»، افراد نیز مبتنی بر واقعیت

کشورهای جهان سوم - اخبار مثبت بوده و تنها یک چهارم این اخبار، به‌طور واقعی انتقادی بوده‌اند.

در کتاب «اخلاق ارتباطات و تغییر جهانی»<sup>۱۰</sup> در بخش «آزادی بودن و ارتباطات» در توضیح مفهوم ارادی بودن (intentionality)، نویسنده به مفهوم رساندن عینی اخبار به مخاطب، اشاره دارد و می‌گوید: این مفهوم، ابتدا به عنوان شاخص عینیت به کار می‌رود و آن هنگامی است که ارتباط‌گر سعی در انتقال اطلاعات به یک گیرنده در حالت مشخص دارد.

### مخالفان و موافقان روزنامه‌نگاری عینی

در خصوص شیوه گزارشگری عینی باید گفت، همان‌گونه که هر شیوه جدیدی، از سوی عده‌ای دنبال می‌شود، از سوی برخی دیگر نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرد، گزارشگری عینی نیز از این قاعده مستثنی نیست. این شیوه در هفتاد سال اخیر به عنوان یکی از شیوه‌های

روزنامه‌نگاری مورد توجه روزنامه‌نگاران و پژوهشگران قرار گرفته است.

### موافقان روزنامه‌نگاری عینی

چنان‌که پیش از این ذکر شد موافقان اصلی این شیوه روزنامه‌نگاری، در ابتدا خبرگزاری‌ها بوده‌اند. از خبرگزاری‌هایی که این شیوه را به‌طور جدی دنبال کرده‌اند، خبرگزاری «آسوشیتدپرس» را می‌توان نام برد.

به جز خبرگزاری‌ها، روزنامه‌های بزرگ آمریکا نیز از این شیوه پیروی کردند، از جمله روزنامه «نیویورک تایمز» با مسؤلیت «آدولف. اس. آچس» که این روش را برگزید و نیراژ این روزنامه را از ۹۰۰۰ نسخه به ۴۶۵۰۰۰ نسخه رساند.

در سال ۱۸۹۶، «آچس»، روزنامه «نیویورک تایمز» را خرید و به‌طور رسمی، سنت روزنامه‌نگاری عینی را آغاز کرد، که تاکنون نیز ادامه دارد. اگر امروز نیز ساختمان روزنامه نیویورک‌تایمز را مشاهده کنید، می‌بینید که بر تابلوی سردر ساختمان آن، این جمله نقش بسته است که «خبر را بی‌طرفانه و بدون ترس و طرفداری از کسی ارایه دهید.»

«آچس» برای آن که بتواند فروش روزنامه را بالا ببرد و نظر سهامداران را نیز تأمین نماید، با حذف داستان‌های رماتیکی و نمونه‌های زایدی که به عنوان مثال آورده می‌شد، به درج اخبار مالی، مراحل واقعی رسیدگی به امور دادگاهی و فعالیت‌های دولتی روی آورد. این عملکرد وی، روزنامه را به یک کتاب اطلاعاتی برای خوانندگان تبدیل کرد. وقتی خبری در «تایمز» درج می‌شد، مردم می‌پذیرفتند که این خبر صحیح است. «آچس» در تمام برخوردهایش با کارکنان روزنامه، از آنان می‌خواست که همه اخبار را مورد توجه قرار دهند و خبری از نظر ایشان پنهان نماند. در اصل، عدم درج خبری در روزنامه، چون به اعتقاد خبرنگار کم‌اهمیت است، مغایر اصول فعالیت این روزنامه بود.<sup>۱۱</sup>

از افراد دیگری که در جریگه منتقدان از روزنامه‌نگاری جنجالی و حامی شیوه روزنامه‌نگاری عینی محسوب می‌شود، «والتر لیپمن»<sup>۱۲</sup> روزنامه‌نگار معروف آمریکایی است. وی با انتقادهایی که از عملکرد روزنامه‌نگاران روزنامه «نیویورک تایمز» طرح کرد، دیدگاه‌های خود را در خصوص روزنامه‌نگاری عینی ارایه نمود. گرچه روزنامه «نیویورک تایمز»، اصل

■ در گزارش عینی، گزارشگر، تنها چون یک ناظر رویداد قلمداد می‌شود و از این که در رویداد مشارکت کند یا نظر شخصی وی بر موضوع سایه افکند، منع شده است.

■ روزنامه‌نگاری عینی، به دلایل تجاری گسترش یافت؛ نیاز به روزنامه‌های توده‌ای برای آرایه به مخاطبان نامگون به لحاظ سیاسی، بدون از خود بیگانه کردن این مخاطبان، از دلایل گسترش این شیوه است.

اساسی فعالیت خود را مبتنی بر عینیت در کار درج اخبار قرار داده بود، اما بنا به نظر «لیپمن» چندان در این زمینه موفق نبوده است. «والتر لیپمن» برای نخستین بار، ضمن یک تجزیه و تحلیل علمی که در سال ۱۹۲۰ با کمک یکی از همکاران خویش، راجع به سنجش صحت اخبار روزنامه «نیویورک تایمز» در مورد انقلاب بلشویکی روسیه انجام داد، از جهت‌گیری‌های شخصی و گزارش‌های مغرضانه خبرنگاران این روزنامه در طول دو سال بعد از پیروزی انقلاب مذکور، انتقاد کرد. وی در این بررسی دریافت که گزارش‌های مخابره شده از سوی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران این روزنامه، گزارش‌های غیرواقعی است و بیشتر مبتنی بر تمایلات ایشان است تا آنچه که در واقع، اتفاق افتاده است. به اعتقاد «لیپمن»، این شیوه، بیشتر شیوه‌ای غیر عینی و تفسیری است که چندان شیوه مطلوبی نیست.

وی در یکی از آثار خود، در خصوص شیوه درج خبر، اصل را بر بی‌طرفی کامل و دوری از هرگونه پیشداوری و دخالت دادن احساسات گذاشته است.

پس از «لیپمن» گردانندگان «انجمن آمریکایی مدیران روزنامه‌ها»<sup>۱۳</sup> در سال ۱۹۲۳ در مجموعه اصول اخلاقی و شرافتی حرفه روزنامه‌نگاری، از روزنامه‌نگاری عینی حمایت نمودند و صحت اخبار و رعایت بی‌طرفی را از مهم‌ترین اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری شناختند.

با طرح این مسائل، روزنامه‌نگاری آمریکایی با پیروی از اصول عینی‌گرایی بریک شیوه خاص حرفه‌ای استوار شد، شیوه‌ای که اصل اول را بر درج اخبار با رعایت بی‌طرفی کامل، بی‌کم‌وکاست، حفظ حریم خصوصی افراد و احترام به ایشان و دخالت ندادن احساسات و دوری از پیشداوری قرار داد.<sup>۱۴</sup>

### مخالفان روزنامه‌نگاری عینی

معتقدان به شیوه «روزنامه‌نگاری تشریحی» از مخالفان روزنامه‌نگاری عینی هستند. فرض اصلی در شیوه «روزنامه‌نگاری تشریحی» این است که بیشتر اوقات، عینیت در کار گزارشگری غیرممکن است و حتی درپاره‌ای موارد، خطرناک نیز هست.

فلسفه گزارشگری تشریحی این است که شغل گزارشگر، تفسیر اخبار برای خواننده و

توضیح معنای آن است.

«کرتیس مک دوگال»<sup>۱۵</sup> حامی اصلی شیوه «روزنامه‌نگاری تشریحی» گفته است که خبرنگاری سنتی، حتی هنگامی که کوشش می‌کند که عینی باشد، همیشه در بردارنده نسبتی از تفسیر است.

تنها با انتخاب یک عنصر برای تأکید در اولین جمله یک خبر، گزارشگر قضاوت خود را در مورد این که چه چیز مهم است و چه چیز مهم نیست، نشان داده است. همچنین زمانی که گزارشگر، حرف‌های یک منبع را بازگو می‌کند این تفسیر رخ داده است. در اصل، براساس نظر خود نکته‌هایی را که اهمیت دارد در ابتدا بیان می‌کند و نکته‌های کم‌اهمیت را بنا به نظر خویش در مرتبه بعدی قرار می‌دهد. در این شیوه روزنامه‌نگاری، اطلاعاتی نیز در خصوص پیشینه موضوع ارائه می‌شود که خواننده نیاز به آگاهی از آن دارد.

معتقدان به این شیوه روزنامه‌نگاری از جمله کسانی هستند که شیوه روزنامه‌نگاری عینی را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ انتقادی به این شیوه روزنامه‌نگاری شد. «مولی ایوانز»<sup>۱۶</sup> کمک سردبیر «نگزاس آیزور»<sup>۱۷</sup> گفته است که «عینیت»، یک تظاهر بی‌معنی است و واژه‌ای است که باید به کلی آن را از روزنامه‌نگاری خارج کرد. به اعتقاد وی، «عینیت»، روزنامه‌نگاری آمریکایی را خسته کرده است. «هاتر. اس. تامسون»<sup>۱۸</sup> از دیگر افرادی است که روزنامه‌نگاری عینی را مورد انتقاد قرار داده است. «تامسون» در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا را برای «رولینگ استون»<sup>۱۹</sup> پوشش داد. وی در زمینه «عینیت» می‌گوید: چیزی شبیه روزنامه‌نگاری عینی نیست، عینیت یک تناقض آشکار در اصطلاحات است.

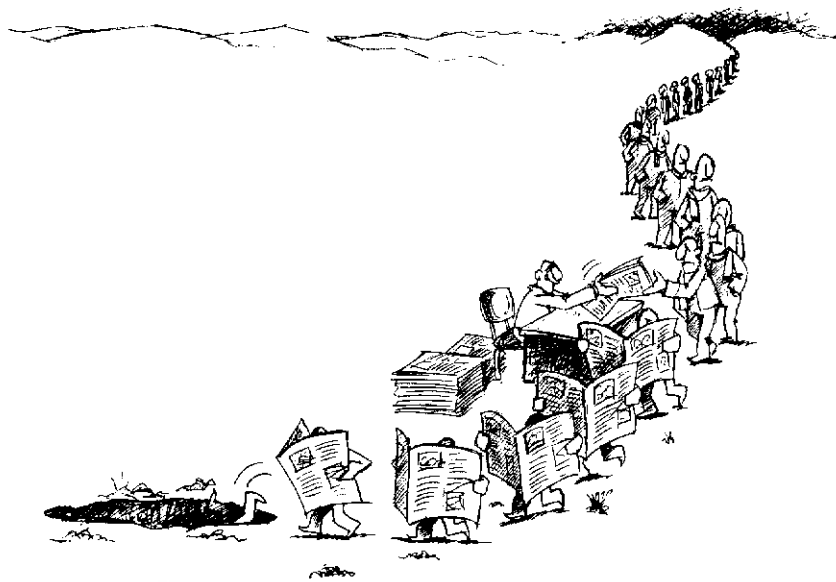
«بیل مویرز»<sup>۲۰</sup> ناشر قدیمی روزنامه که نشریه «روزنامه‌نگاران و مطبوعات» را برای «جانسون» رئیس جمهور آمریکا منتشر کرده، گفته است که «عینیت» یک اسطوره<sup>۲۱</sup> است.

سرسخت‌ترین مخالفان «عینیت»، روزنامه‌نگاران مدافعه‌گر هستند، کسانی که نه تنها می‌خواهند، جایگاه خود را به دیگران معرفی کنند، بلکه به دنبال ایجاد تحرک در بحث گزارش‌هایشان هستند. این مستقدان، دارای نقطه‌نظرهای مثبتی در خصوص شیوه‌های درج خبر هستند، لیکن ایشان همه

■ در شیوه روزنامه‌نگاری عینی، این اصل مبنای عمل است: «اجازه دهید واقعیت‌ها، خود سخن گویند».

■ در هفتاد سال اخیر، روزنامه‌نگاری عینی، به عنوان یکی از شیوه‌های روزنامه‌نگاری مورد توجه روزنامه‌نگاران و پژوهشگران قرار گرفته است.

■ در سال ۱۸۹۶، روزنامه «نیویورک تایمز» با برگزیدن روش «روزنامه‌نگاری عینی»، تیراژ این روزنامه را از ۹۰۰۰ به ۴۶۵۰۰۰ نسخه رساند.



گوناگون و پراکنده نظامی توجه داشتند و به تهیه گزارش‌های تشریحی و تفسیری تکمیل‌کننده درباره ریشه‌های این جنگ و سیر تحول آن و همچنین آثار و عوارض جنگ، بی‌اعتنا بودند.

در دوره پس از جنگ جهانی اول، با انتشار هفته‌نامه خبری «تایمز» نخستین گام در راه پیشرفت روزنامه‌نگاری تشریحی برداشته شد. گردانندگان این هفته‌نامه عقیده داشتند که اخبار روزانه مطبوعات درباره رویدادهای مختلف، نیازهای خوانندگان را برآورده نمی‌کند و به همین جهت، مطبوعات جدید هفتگی باید با ارائه گزارش‌های خبری دقیق‌تر و منظم‌تر و تشریح و تفسیر رویدادها و مسائل داخلی و خارجی، اطلاعات جامع‌تر و کامل‌تری در اختیار آنان بگذارند و به‌خصوص علل و آثار وقایع را روشن سازند.

در دهه‌های بعد، هفته‌نامه‌های دیگری از این شیوه روزنامه‌نگاری حمایت و در توسعه آن نقش مهمی ایفا کردند.<sup>۲۴</sup>

### نقطه‌های قوت و ضعف شیوه روزنامه‌نگاری عینی

در این بخش، به بیان نقطه‌های قوت و ضعف شیوه روزنامه‌نگاری عینی می‌پردازیم:

#### الف) نقطه‌های قوت

۱. نظرها و دیدگاه‌های شخصی خبرنگار کمتر به شکل علنی در این شیوه روزنامه‌نگاری تجلی می‌یابد.

خبر را نمی‌گویند.

گزارشگری عینی می‌تواند منتهی به ارائه یک خبر خسته‌کننده شود، و می‌تواند این‌گونه نیز نباشد. بهترین خبرها، جالب هستند زیرا وقایع، خود جالب هستند، نه این که چون صفت‌ها و قیدها در آنها به کار رفته، جالب شده‌اند. خوانندگان بیشتر روزنامه‌های روزانه، انتظار جهت‌گیری و حمایت را در ستون‌های اخبار ندارند و این نیز منصفانه نیست که آن را به خواننده دهیم.

«کارول ساتن»<sup>۲۲</sup> مدیرمسئول یکی از نشریه‌ها می‌گوید: خوانندگان، هنگامی که نظرات شخصی خبرنگار را در خبر می‌یابند، درنگارش نامه به مسؤولان، سرعت عمل به خرج می‌دهند. این خوانندگان، وقتی انتظار وجود نظرات شخصی را در یک مقاله دارند که برچسب تحلیل خورده باشد.<sup>۲۳</sup>

#### پیشینه روزنامه‌نگاری تشریحی

اما چنانچه بخواهیم به پیشینه به‌کارگیری شیوه «روزنامه‌نگاری تشریحی» بپردازیم باید بگوییم که از دهه سوم قرن بیستم، این شیوه روزنامه‌نگاری حیات یافت.

به‌نظر برخی از متخصصان و محققان روزنامه‌نگاری، یکی از علل مهم پیدایش و گسترش این شیوه، عدم موفقیت خبرنگاران آمریکایی و به‌خصوص همکاران خبرگزاری «آسوشیندپرس» در ارائه اخبار جنگ جهانی اول بود. چرا که در جریان این جنگ، خبرنگاران تنها به انعکاس وقوع رویدادهای

۲. خوانندگان روزنامه‌ها، خود در خصوص وقایع قضاوت می‌کنند و تصمیم‌ها و مواضعی که اتخاذ می‌کنند بیشتر بر مبنای نظرها و دیدگاه‌هایشان است.
۳. هیچ نوع تحمیل یا هدایتی در پذیرش یک عقیده، نظر یا قضاوت شخصی وجود ندارد.
۴. خبر، به لحاظ مخابره ارزان‌تر تمام می‌شود چون طول و تفصیل کمتری دارد.

#### ب) نقطه‌های ضعف

۱. ممکن است درج عینی اخبار، نظم اجتماعی را برهم زده و امنیت روانی خواننده را مختل کند.
۲. در بسیاری از موارد، درج عینی واقعیت‌ها ممکن است به دلیل طولانی بودن

■ **معنقدان به شیوه «روزنامه‌نگاری تشریحی» از مخالفان شیوه «روزنامه‌نگاری عینی» هستند. فرض اصلی در شیوه مزبور این است که بیشتر اوقات، عینیت در کار گزارشگری غیرممکن است و حتی در پارهای موارد، خطرناک نیز می‌باشد.**

■ **«مولی ایوانز» از مخالفان روزنامه‌نگاری عینی: عینیت، یک تظاهر بی‌معنی است و واژه‌ای است که باید به کلی، آن را از روزنامه‌نگاری خارج کرد!**

مطلب و وجود حشو و زواید، خواننده را خسته کند.

۳. از آنجا که روزنامه‌نگار به‌طور دایم با مسئله کمبود جا در روزنامه روبه‌رو است چنانچه بخواهد اخبار رسیده را بی‌کم‌وکاست درج کند ممکن است تنها، امکان پرداختن به یک یا چند موضوع را داشته و از پرداختن به همه جنبه‌های یک رویداد، به دلیل کمبود جا، محروم شود. ۲۵

۴. محدودیت زمانی نیز در درج یک خبر طولانی با همه جنبه‌های آن، گریبانگیر روزنامه‌نگار است.

۵. هیچ‌گونه تحلیلی از واقعه یا رویداد ارائه نمی‌شود و اخبار براساس ارزش‌های موجود در آن تحلیل نمی‌شوند. وجوه تحلیل، گاه برای روشن شدن جنبه‌های گوناگون یک رویداد اهمیت زیادی دارد، چرا که همه مردم از یک‌میزان سواد برخوردار نیستند، یا بینش کافی در خصوص قضایا ندارند.

در پایان باید گفت که درج عینی اخبار، ممکن است با دشواری‌هایی همراه باشد. البته این نکته را باید همیشه به خاطر داشته باشیم که مسؤولیت روزنامه‌نگار می‌طلبد که اطلاعات درست و جامع را به مخاطبان ارائه دهد. اگر رویدادی اتفاق می‌افتد، آن را چنان که اتفاق افتاده است گزارش کند، نه چنان که مایل است اتفاق بیفتد. اطلاعات نادرست و ناقص، خواننده را در ابهام می‌گذارد و خواننده، برای رفع ابهام به منابع دیگر رجوع می‌کند؛ این امر ممکن است باعث سلب اعتماد خواننده شود. با این حال، مطالبی که ذکر شد مغایرتی با گسترش مطلب و پرداختن به جنبه‌های مختلف قضیه ندارد. گرچه روزنامه‌نگار یا خبرنگار حکم ابزار حسی خواننده را دارند و ابزاری میان رویداد و خواننده به‌شمار می‌روند با این وصف از دریچه ذهن اوست که خواننده به رویداد نظر می‌کند و قضایا را از دریچه روزنامه‌نگار درک می‌کند؛ حتی درج صددرصد عینی اخبار، که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران ممکن است موجب برهم زدن نظم جامعه و مغشوش کردن ذهن افراد بشود. دارای نسبتی از تفسیر و تشریح است. به عنوان مثال، از تصویربرداری یک رویداد و انتقال عین تصویر به مخاطب، خبری عینی‌تر نداریم، اما با تمام این احوال، همین جهتی که سه پایه دوربین در آن زاویه کاشته می‌شود و دیدگاهی که دوربین بدان نظر می‌کند با قضاوت فیلمبردار یا خبرنگار است که چنین وضعیتی پیدا می‌کند. بنابراین اخبار، از هاله‌های ذهنی خبرنگاران به مخاطب می‌رسد و همیشه در درج عینی‌ترین اخبار نیز، نسبتی از قضاوت شخصی خبرنگار وجود دارد. □

#### پی‌نوشتها:

1. Ryan, Micheil ; Tankard, James. W: "Basic News Reporting". May field Publishing company, 1977.
2. Defleur, Dennis: "understanding mass communication" 1988.

3. Hiebart, Ray. E; ungurait, Donald. F and Bohn, Thomas. W: "Mass Media: An Introduction to Modern Communication", Longman pub. 1988.

4. Sullivan, Tim. o; Hartley, John; Saunders, Danny and Fisk, john: "Key concepts in communication", Routledge, 1993.

5. Streckfuss, Richard: "Objectivity in journalism: Asearch and a Reassessment", Journalism Quarterly, vo 1. 67. no 4, winter, 1990.

۶. همان.

۷. شیوه‌های اساسی گزارش خبری، منبع قلی.

8. Hirsch, Paul. M; Miller, Peter, V; Kline, F. Gerald: "Strategies for communication Research", page pub. Bererly Hills, calif, 1977.

9. Edelstein, s. Alex: "Communication and culture", longman pub. New York. 1989.

10. Cooper, W.Tomas and others: "Communication Ethics and Global change", Mc Millan pub. 1986.

11. Gamble, Mi chael. W; Gamble, Teri Kwal: "Introducing Mass "Communication" , Mc Grow Hill pub. New York, 1989.

12. Walter lippman.

13. American Society of Newspaper Editors (A.S.N.E).

۱۴. معتمدزاد، کاظم. روزنامه‌نگاری: با فصلی جدید در بازننگری روزنامه‌نگاری معاصر، چاپ سوم، مرکز نشر سپهر، تهران، ۱۳۶۸.

15. Curtis Mac Dougall.

16. Molly Ivans.

17. Texas observer.

18. Hunters. Thompson.

19. Rolling Stone.

20. Bill Moyers.

21. Myth.

22. Carol Sutton.

۲۳. شیوه‌های اساسی گزارش خبری، منبع قلی.

۲۴. روزنامه‌نگاری، دکتر کاظم معتمدزاد، منبع قلی.

۲۵. بدیعی، نعیم. معیارهای گزینش خبر، کدام خبر، چرا؟ فصلنامه رسانه، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۶۹.